





## پیغام عشق

قسمت هزار و صد و هشتم





خانم دیبا از کرج





جان شیرین تو در قبضه و در دست من است  
تن بی جان چه کند، گر تو ز تن بگریزی؟  
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۸۷۸

قبضه یعنی در مشت گرفته شده. همه ما انسانها یک هوشیاری هستیم که در میان پنجه زندگی و انگشتان خدا قرار داریم ولی با من ذهنی مقاومت می کنیم و جان شیرینمان را به زهر همانیدگیها آغشته می کنیم. برای همین بی جان و افسرده و غمگین شدیم، خشم داریم و با نفرت یکدیگر را می کشیم، چون نمی دانیم که در مشت خداییم و زندگی در این تن تنها فرصتی ست که می توانیم به خدا زنده شویم.





































































